

به نام خدا

نگاهی به ابعاد حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران

۶. پیرامون نظارت در قلمرو حقوق اساسی
جمهوری اسلامی ایران

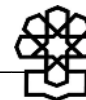
اول: «بررسی و تحلیل نظارت رئیس مجلس

شورای اسلامی بر مصوبات دولتی»

(موضوع اصول هشتاد و پنجم و یکصد و سی و هشتم قانون اساسی)

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۳.....	۱. سلسله مراتب هنجارها در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران
۷.....	۲. پیشینه نظارت بر مصوبات دولتی توسط رئیس مجلس شورای اسلامی
۱۲.....	۳. موضوع نظارت رئیس مجلس شورای اسلامی
۱۷.....	۴. محدوده نظارت رئیس مجلس شورای اسلامی
۲۷.....	۵. ضمانت اجرای نظارت رئیس مجلس
۲۹.....	نتیجه گیری
۳۰.....	منابع و مأخذ



اول: «بررسی و تحلیل نظارت رئیس مجلس شورای اسلامی بر مصوبات دولتی»

چکیده

از جمله اصول حقوقی پذیرفته شده در نظام‌های حقوقی نوشته اصل سلسله‌مراتب قوانین و تبعیت قوانین و مقررات مادون از قواعد مافوق است. در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران نیز با پذیرش این اصل بر تبعیت قوانین عادی از قانون اساسی و مقررات دولتی از قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی تأکید شده است. براساس قانون اساسی دو مرجع برای نظارت بر مقررات دولتی از جهت عدم مغایرت با قوانین در نظر گرفته شده است. در قانون اساسی پیش از بازنگری این دو مرجع عبارت بودند از دیوان عدالت اداری و رئیس‌جمهور که پس از بازنگری سال ۱۳۶۸ با توجه به تغییرات صورت گرفته این اختیار به رئیس مجلس شورای اسلامی تفویض شد.

براساس اصل یکصدوسی‌و‌هشتم قانون اساسی، رئیس مجلس شورای اسلامی مرجع تشخیص مغایرت مصوبات دولتی با قانون اساسی است و نظر وی نیز در این رابطه نظر نهایی و لازم‌الاجرا بوده و مقرر دولتی در صورت عدم تأمین نظر وی فاقد اعتبار است. با توجه به اینکه وظیفه نظارت بر مصوبات دولتی برعهده رئیس مجلس شورای اسلامی است، مرجع تشخیص مصوبات موضوع اصول فوق از تصمیمات صرفاً اجرایی نیز شخص رئیس مجلس است.

مقدمه

اصل حاکمیت قانون، یکی از اصول حقوق عمومی است که حقوق اساسی و حقوق اداری را به هم پیوند می‌دهد.^۱ این اصل، «پایه و شالوده حقوق عمومی در جهان معاصر است و براساس این اصل، قانونگذاری، قضا و دادگستری، حکومت و اداره امور عمومی باید تابع قانون معین و قواعد کلی و علنی باشد که قبلاً از طرف مقنن وضع شده است».^۲

به موجب اصل حاکمیت قانون «دستگاه اداری تابع قانون شد و مکلف شد در چارچوبی که از طرف قوه مقننه ترسیم می‌شود گام بردارد. بر این مبنا اداره ملزم شد همه اعمال و تصمیمات خود را از لحاظ موضوع، انگیزه، هدف و صلاحیت، با قانون تطبیق دهد و این همان فکری است که در حقوق عمومی به نام حاکمیت قانون مطرح شد».^۳

از مهمترین نتایج مربوط به پذیرش اصل حاکمیت قانون، اصل سلسله‌مراتب قوانین است که از بایسته‌های نظام‌های مبتنی بر حقوق نوشته محسوب می‌شود. سلسله‌مراتب قواعد و هنجارها غالباً براساس جنبه شکلی قواعد تعیین می‌شود و اعتبار هر هنجار با توجه به اعتبار مرجع وضع و تصویب آن تعیین می‌شود. براساس

۱. محمدحسین زارعی، تحلیلی از پیوند حقوق اداری و مدیریت دولتی بر پایه حاکمیت قانون، مجله مدیریت دولتی، ش ۳۸، ۱۳۷۶، ص ۳۲.

۲. کریم سنجایی، حقوق اداری، جلد اول، چاپ سوم، بی‌تا، بی‌نا، ص ۲۵۰.

۳. منوچهر طباطبائی مؤتمنی، حقوق اداری تطبیقی، حاکمیت قانون و دادرسی اداری تطبیقی در چند کشور بزرگ، چاپ اول، تهران، سمت، ۱۳۸۵، ص ۸.



اصل سلسله‌مراتب قوانین و هنجارها، محتوای قواعد فروتر نباید مغایر با محتوای قواعد فراتر باشد.^۱

در نظام‌های حقوقی معاصر با پذیرش اصل سلسله‌مراتب هنجارها با هدف تضمین عدم مغایرت هنجارهای مادون با قواعد برتر، مراجعی در نظر گرفته شده است. نظام جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنا نبوده و برای تضمین عدم تجاوز مراجع وضع قاعده از حدود صلاحیت خود مراجع نظارتی را معین کرده است. در ادامه به بیان سلسله‌مراتب هنجارها در نظام حقوقی کشور و سلسله‌مراتب آنها می‌پردازیم.

۱. سلسله‌مراتب هنجارها در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران

در قانون اساسی مشروطه و متمم آن در رابطه با سلسله‌مراتب قوانین مطلبی بیان نشده بود و صرفاً به موجب اصل دوم متمم این قانون، مجلس شورای ملی حق وضع قوانین مغایر با شرع را نداشت و تشخیص قوانین مغایر با شرع برعهده تعدادی از فقها نهاده شده بود.^۲ با توجه به عدم تعیین تکلیف در رابطه با سلسله‌مراتب قوانین در

۱. ابوالفضل قاضی شریعت‌پناهی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، چاپ اول، میزان، ۱۳۸۳، ص ۱۱۱.

۲. اصل دوم متمم قانون اساسی مشروطه: مجلس مقدس شورای ملی که با توجه و تأیید حضرت امام عصر عجل‌الله فرجه و بذل مرحمت اعلیحضرت شاهنشاه اسلام خلدالله سلطانه و مراقبت حجج اسلامیه کثرالله امثالهم و عامه ملت ایران تأسیس شده است باید در هیچ عصری از اعصار مواد قانونیه آن مخالفتی با قواعد مقدسه اسلام و قوانین موضوعه حضرت خیرالانام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نداشته باشد و معین است که تشخیص مخالفت قوانین موضوعه با قواعد اسلامیه برعهده علمای اعلام ادام‌الله برکات وجودهم بوده و هست لهذا رسماً مقرر است در هر عصری از اعصار هیئتی که کم‌تر از پنج نفر نباشد از مجتهدین و فقهای متدینین که مطلع از مقتضیات زمان هم باشند به این طریق که علمای اعلام و حجج اسلام مرجع تقلید شیعه اسلام ۲۰ نفر از علما که دارای صفات

نظام مشروطه، اغلب حقوق‌دانان براساس اصول مسلم و شناخته شده حقوقی به این نتیجه رسیده بودند که با وجود سکوت قانون اساسی، برتری قانون اساسی بر قوانین عادی مسلم است و قضات در موقع اجرای قوانین بهتر است از اجرای قانون عادی مغایر قانون اساسی خودداری کنند.^۱

برخلاف قانون اساسی مشروطه، در قانون اساسی جمهوری اسلامی موضوع سلسله‌مراتب قوانین مورد توجه قانونگذار اساسی قرار گرفته است و این قانون در

مذکوره باشند معرفی به مجلس شورای ملی بنمایند پنج نفر از آنها را یا بیشتر به مقتضای عصر اعضای مجلس شورای ملی بالاتفاق یا به حکم قرعه تعیین نموده به سمت عضویت بشناسند تا موادی که در مجلسین عنوان می‌شود به‌دقت مذاکره و بررسی نموده هریک از آن مواد معنونه که مخالفت با قواعد مقدسه اسلام داشته باشد طرح و رد نمایند که عنوان قانونیت پیدا نکند و رأی این هیئت علما در این باب مطاع و متبع خواهد بود و این ماده تا زمان ظهور حضرت حجت عصر عجل‌الله فرجه تغییرپذیر نخواهد بود».

۱. عبدالحمید ابوالحمد، مسئله سلسله‌مراتب قوانین در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، ش ۲۲، تیرماه ۱۳۶۰، ص ۲۱. البته با توجه به اینکه مرجع تصویب قانون اساسی مشروطه، مجلس شورای ملی بود، این مجلس در موارد متعددی اقدام به تجدیدنظر در قانون اساسی کرد، ازجمله قانون تفسیر اصل سی‌وهفتم متمم قانون اساسی موضوع کلمه ایرانی‌الاصل مصوب ۱۴ آبان‌ماه ۱۳۱۷: ماده واحده - منظور از مادر ایرانی‌الاصل مذکور در اصل سی‌وهفتم متمم قانون اساسی اعم است از مادری که مطابق شق دوم از ماده (۹۷۶) قانون مدنی دارای نسب ایرانی باشد یا مادری که قبل از عقد ازدواج با پادشاه یا ولیعهد ایران به اقتضای مصالح عالی کشور به پیشنهاد دولت و تصویب مجلس شورای ملی به موجب فرمان پادشاه عصر صفت ایرانی به او اعطا شده باشد. این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه ۱۴ آبان‌ماه ۱۳۱۷ به تصویب مجلس شورای ملی رسید) و قانون تفسیر اصل پنجم قانون اساسی مصوب اول آبان‌ماه ۱۳۳۱ (اصل پنجم - دوره نمایندگی مجلس شورای ملی چهار سال تمام است و شامل دوره نوزدهم نیز می‌باشد. قبل از انقضای مدت باید انتخابات طبق قانون تجدید شود. ابتدای هر دوره از تاریخ تصویب اعتبارنامه بیش از نصف نمایندگان خواهد بود. تجدید انتخاب نمایندگان سابق بلامانع است. ماده واحده - مجلس شورای ملی با توجه به مفهوم کلی قانون اساسی و به اتکای اصول پنجم و چهل‌وسوم و پنجاهم قانون اساسی اصل پنجم قانون اساسی را چنین تفسیر می‌نماید که مدت نمایندگی منتخبین هر دوره تقنینیه اعم از مجلس شورای ملی و مجلس سنا دو سال است. این قانون به موجب قسمت اخیر بند «۱» اصل بیست‌وهفتم متمم قانون اساسی در جلسه پنجمین اول آبان‌ماه ۱۳۳۱ به تصویب مجلس شورای ملی رسید).



رابطه با سلسله مراتب قوانین تعیین تکلیف کرده است و به موجب قانون اساسی در صورت بروز تعارض مصوبات مجلس با شرع مقدس و قانون اساسی از یکسو و مغایرت آیین نامه ها با قوانین از سوی دیگر راه حل هایی تعیین شده است.

به موجب اصل چهارم قانون اساسی، شرع مقدس اسلام در نظام حقوقی جمهوری اسلامی در رأس سلسله مراتب هنجارها قرار می گیرد و موازین شرعی بر تمامی قوانین و مقررات کشور و خود قانون اساسی حاکم است.^۱ قانونگذار اساسی مرجع نظارت بر عدم مغایرت قوانین و مقررات با شرع را فقهای شورای نگهبان قرار داده است.

قانون اساسی، پس از موازین اسلامی در سلسله مراتب هنجارها در نظام حقوقی کشور در جایگاه دوم قرار دارد. قانونگذار برای تضمین برتری قانون اساسی بر قوانین مصوب مجلس اقدام به تأسیس شورای نگهبان کرده است که این شورا مکلف است مصوبات مجلس شورای اسلامی را از نظر مغایرت و یا عدم مغایرت با قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد. مصوبات مجلس شورای اسلامی تنها در صورتی تبدیل به قانون می شوند که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی تشخیص داده نشوند.^۲

قوانین عادی، در سلسله مراتب قوانین در مرتبه بعد از قانون اساسی قرار

۱. اصل چهارم قانون اساسی: کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.

۲. اصل هفتم قانون اساسی: مجلس شورای اسلامی نمی تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل نود و هشتم آمده بر عهده شورای نگهبان است. البته استثنائاً در مواردی امکان دارد مصوبه مغایر با احکام اولیه شرع و یا قانون اساسی با نظر مجمع تشخیص مصلحت نظام بر اساس مصلحت اهم تبدیل به قانون شود.

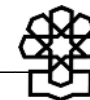
می گیرند که با توجه به این امر، مقرراتی که توسط مقامات قوه مجریه وضع می گردند به هیچ وجه نباید مغایر با قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی باشند. قانونگذار اساسی برای تضمین عدم مغایرت مصوبات دولتی با قوانین برتر دو مرجع را در نظر گرفته است:

۱-۱. دیوان عدالت اداری

به موجب اصل یکصد و هفتادم قانون اساسی قضات دادگاه ها مکلفند از اجرای تصویب نامه ها و آیین نامه های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند و هرکس می تواند ابطال این گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند. با توجه به این اصل دیوان عدالت اداری در مواردی که مصوبات دولتی مغایر با قوانین باشند حق ابطال آنها را دارد.

۱-۲. رئیس مجلس شورای اسلامی

بر اساس قسمت اخیر اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی، مصوبات دولت نباید مخالف قوانین و مقررات عمومی کشور باشد و به منظور بررسی و اعلام عدم مغایرت آنها با قوانین مزبور باید ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد. همچنین بر اساس قسمت اخیر اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی، تصویب نامه ها و آیین نامه های دولت و مصوبات کمیسیون های مذکور در این اصل، ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی می رسد تا در صورتی که آنها را برخلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدید نظر به هیئت وزیران بفرستد.



علت اساسی در نظر گرفتن دو مرجع برای نظارت بر مصوبات دولتی، احتمال تجاوز قوه مجریه از حدود صلاحیت مقرراتگذاری خود بیان شده است.^۱

قانون اساسی مشروطه به صورت صریح برای قوه مجریه حق وضع مقررات را به رسمیت نشناخته بود، البته به موجب اصل هشتادونهم این قانون، دیوانخانه عدلیه و محکمه‌ها وقتی احکام و نظامنامه‌های عمومی، ایالتی، ولایتی و بلدی را مجری خواهند داشت که آنها مطابق با قانون باشند. براساس این اصل به‌طور ضمنی برتری قوانین مجلس نسبت به مصوبات دولتی مورد شناسایی قرار گرفته بود.

۲. پیشینه نظارت بر مصوبات دولتی توسط رئیس مجلس شورای اسلامی

براساس اصل یکصدوسی و چهارم^۲ قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸، ریاست هیئت وزیران با نخست‌وزیر بود و مصوبات دولتی نیز به تصویب هیئت وزیران می‌رسید. با توجه به اینکه نظارت بر مصوبات دولتی ضرورت داشت و با توجه به شأن و جایگاه رئیس‌جمهور که به موجب اصل یکصدوسیزدهم قانون اساسی عالی‌ترین مقام رسمی کشور پس از مقام رهبری و مسئول تنظیم روابط قوای سه‌گانه بود، قانونگذار اساسی رئیس‌جمهور را مرجع نظارت بر مصوبات دولتی قرار داد و در اصل یکصدوبیست و هشتم مقرر داشت: «تصویبنامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت پس از تصویب

۱. «صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، (اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴)، جلد دوم، صص ۱۲۷۳-۱۲۷۴.

۲. اصل یکصدوسی و چهارم قانون اساسی: ریاست هیئت وزیران با نخست‌وزیر است که بر کار وزیران نظارت دارد و با اتخاذ تدابیر لازم به هماهنگ ساختن تصمیم‌های دولت می‌پردازد و با همکاری وزیران، برنامه و خطمشی دولت را تعیین و قوانین را اجرا می‌کند. نخست‌وزیر در برابر مجلس مسئول اقدامات هیئت وزیران است.

هیئت وزیران به اطلاع رئیس‌جمهور می‌رسد و در صورتی که آنها را برخلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدیدنظر به هیئت وزیران می‌فرستد».

با تجدیدنظر در قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ و حذف پست نخست‌وزیری، رئیس‌جمهور، رئیس هیئت وزیران شد و با توجه به این تغییرات، نظارت وی بر مصوبات دولتی مفهومی نداشت، به همین دلیل اعضای شورای بازنگری قانون اساسی تصمیم به تغییر مرجع نظارت بر مصوبات دولتی گرفتند.

پیشنهادهای مختلفی در این رابطه مطرح شد از جمله اینکه این وظیفه به سازمانی مستقل و زیر نظر مجلس سپرده شود^۱ و یا اینکه کمیسیونی با عنوان کمیسیون تصویبنامه‌ها و آیین‌نامه‌ها مثل کمیسیون اصل نودم قانون اساسی مسئول نظارت بر مصوبات دولت شود،^۲ یا اینکه این وظیفه برعهده رئیس قوه قضائیه قرار داده شود.^۳

پس از مباحث طولانی در این رابطه، شورای مذکور به این نتیجه رسید که تناسب ایجاب می‌کند این کنترل و نظارت به عهده مرجعی باشد که با قانون سروکار دارد و بر این اساس وظیفه فوق که برعهده رئیس‌جمهور قرار داشت برعهده رئیس مجلس شورای اسلامی نهاده شد.^۴

۱. «صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، (اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی)، جلد دوم، ۱۳۶۹، ص ۹۸۵. البته برخی از حقوقدانان نیز با توجه به ماهیت قضایی نظارت بر مغایرت مصوبات دولتی با قوانین، موافق تفویض این صلاحیت به قوه قضائیه هستند (محمد هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، حاکمیت و نهادهای سیاسی، چاپ نهم، ۱۳۸۳، تهران، میزان، ص ۲۲۳).

۲. همان، ص ۹۹۲.

۳. همان، ص ۹۹۸.

۴. صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پیشین، ص ۱۰۱۳.



در راستای اجرایی شدن وظیفه مذکور در قانون اساسی سال ۱۳۵۸، ماده (۵) قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست‌جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌داشت: تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت، پس از تصویب هیئت وزیران به اطلاع رئیس‌جمهور می‌رسد. رئیس‌جمهور در صورتی که آن را خلاف قانون تشخیص می‌داد، نظر خود را با ذکر دلیل به دولت اعلام می‌کرد. براساس این ماده مصوبات دولت قبل از انجام اصلاحات لازم قابل اجرا نبود. در صورت عدم توجه به نظر رئیس‌جمهور و اجرای مصوبات مذکور، وی می‌توانست دستور توقف اجرای مصوبه را صادر کند.^۱

همچنین به موجب تبصره این ماده، در صورتی که بین رئیس‌جمهور و هیئت دولت در رابطه با مغایرت و یا عدم مغایرت مصوبه‌ای اختلاف نظر ایجاد می‌شد، نظر رئیس‌جمهور در رابطه با موضوع لازم‌الاجرا بود.^۲

در سال ۱۳۶۸ پس از تغییرات قانون اساسی، قانونگذار در راستای اجرای وظیفه فوق اقدام به تصویب قانون نحوه اجرای اصل هشتادوپنجم و یکصدوسی‌وهشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با مسئولیت‌های رئیس مجلس شورای

۱. ماده (۵) قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست‌جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۵/۸/۲۲: تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت، پس از تصویب هیئت وزیران به اطلاع رئیس‌جمهور می‌رسد. رئیس‌جمهور در صورتی که آن را خلاف قانون تشخیص داد، نظر خود را با ذکر دلیل به دولت اعلام می‌نماید. قبل از هرگونه اصلاحات لازم، موارد خلاف قابل اجرا نخواهد بود. در صورت اجرای بدون رعایت مقررات این ماده، رئیس‌جمهور می‌تواند دستور توقف اجرا را صادر نماید.

۲. تبصره - اگر اختلاف نظر بین رئیس‌جمهور و هیئت دولت در مخالفت با قانون به جهت استنباط از قوانین باشد، نظر رئیس‌جمهور معتبر است. بدیهی است در صورت وجود تفسیر قانون عادی و یا تفسیر قانون اساسی رئیس‌جمهور موظف به مراجعه به آن می‌باشد.

اسلامی کرد. به موجب تبصره «۲» ماده واحده این قانون اگر بین رئیس مجلس و هیئت دولت و یا کمیسیون‌های مربوطه از جهت استنباط از قوانین اختلاف نظر حاصل می‌شد نظر رئیس مجلس معتبر اعلام شده است.

مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۷۸/۱۲/۸، با توجه به مشکلاتی که در رابطه با نحوه تعامل دولت با رئیس مجلس در رابطه با نحوه اجرای قانون فوق به وجود آمده بود اقدام به تصویب قانون الحاق پنج تبصره به قانون نحوه اجرای اصل هشتادوپنجم و یکصدوسی‌وهشتم قانون اساسی در رابطه با مسئولیت‌های رئیس مجلس شورای اسلامی نمود. به موجب تبصره «۴» این قانون چنانچه تمام یا قسمتی از مصوبه مورد ایراد رئیس مجلس شورای اسلامی قرار گیرد و پس از اعلام ایراد به هیئت وزیران، ظرف مدت مقرر در قانون، نسبت به اصلاح یا لغو آن اقدام نشود پس از پایان مدت مذکور حسب مورد تمام یا قسمتی از مصوبه مورد ایراد، ملغی‌الاثرب خواهد بود. بنابراین به موجب این مصوبه برای عدم رعایت نظر رئیس مجلس در رابطه با مصوبات دولت ضمانت اجرا در نظر گرفته شد و در صورت عدم رعایت نظر رئیس مجلس توسط دولت، مصوبه فاقد اعتبار می‌شود.

اختلافاتی که در عمل بین نظر رئیس مجلس و آرای دیوان عدالت اداری در رابطه با موضوعات مشابه به وجود آمد موجب شد مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۰ اقدام به تصویب قانون استفساریه ماده (۲۵) قانون دیوان عدالت اداری نماید که مقرر می‌داشت در صورت تعارض نظر دیوان عدالت اداری و ریاست مجلس شورای اسلامی (موضوع اختیارات ذیل اصل هشتادوپنجم قانون اساسی)، نظر دیوان عدالت اداری لازم‌الاجراست.



آخرین اصلاحات قانونی در رابطه با اختیارات رئیس مجلس مربوط به تصویب قانون الحاق یک تبصره به قانون نحوه اجرای اصول هشتادوپنجم و یکصدوسی و هشتم قانون اساسی در رابطه با مسئولیت‌های رئیس مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۸ بود که به موجب این قانون در مواردی که رئیس مجلس شورای اسلامی مصوبات، آیین‌نامه‌ها و تصویب‌نامه‌های مقامات مذکور در اصول هشتادوپنجم و یکصدوسی و هشتم قانون اساسی را مغایر با متن و روح قوانین تشخیص دهد نظر وی برای دولت معتبر و لازم‌الاتباع است و دیوان عدالت اداری نسبت به این‌گونه موارد صلاحیت رسیدگی ندارد. همچنین این مصوبه قانون استفساریه ماده (۲۵) قانون دیوان عدالت اداری را نسخ کرد، البته این حکم شامل صلاحیت دیوان در رسیدگی به ادعای خلاف شرع بودن مقررات و ابطال آنها پس از اظهار نظر فقهای شورای نگهبان نمی‌شود.^۱

۱. رأی شماره دادنامه: ۴۶۲ مورخه ۱۳۸۹/۱۰/۲۷ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری: هرچند مطابق تبصره «۸» قانون الحاق یک تبصره به قانون نحوه اجرای اصول هشتادوپنجم و یکصدوسی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با مسئولیت‌های رئیس مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۸ و اصلاحات بعدی مصوب ۱۳۸۸/۱/۳۰، در مواردی که رئیس مجلس شورای اسلامی، مصوبات، آیین‌نامه‌ها و تصویب‌نامه‌های مقامات مذکور در اصول هشتادوپنجم و یکصدوسی و هشتم قانون اساسی را مغایر با متن و روح قانون تشخیص دهد، نظر وی برای دولت معتبر و لازم‌الاتباع است و دیوان عدالت اداری نسبت به این‌گونه موارد صلاحیت رسیدگی ندارد و رئیس مجلس شورای اسلامی نیز طی نامه شماره ۳۹۱۵۵ ه/ب مورخ ۱۳۸۹/۶/۱۶ موارد مغایرت قانونی مصوبه معترض‌عنه را اعلام نموده، از این جهت موجبی برای رسیدگی در هیئت عمومی دیوان وجود ندارد، لکن رسیدگی به جهات مغایرت مصوبه با شرع منصرف از حکم مقرر در تبصره فوق‌الذکر می‌باشد و نظر به اینکه فقهای شورای نگهبان طی نامه شماره ۸۹/۳۰/۴۰۲۵۹ مورخ ۱۳۸۹/۸/۲، ماده (۲) آیین‌نامه معترض‌عنه را خلاف موازین شرع دانسته‌اند، لذا به تجویز ماده (۴۱) و بند «۱» ماده (۱۹) و قسمت اخیر ماده (۲۰) قانون دیوان عدالت اداری مصوبه مورد شکایت ابطال و اثر آن به تاریخ صدور تسری خواهد داشت. رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، محمدجعفر منتظری.

۳. موضوع نظارت رئیس مجلس شورای اسلامی

در ادامه به بررسی این موضوع می‌پردازیم که نظارت رئیس مجلس شورای اسلامی موضوع اصول هشتادوپنجم و یکصدوسی و هشتم قانون اساسی شامل کدام یک از مصوبات دولت می‌شود. براساس اصول هشتادوپنجم و یکصدوسی و هشتم قانون اساسی رئیس مجلس شورای اسلامی مسئولیت نظارت بر مصوبات دولتی زیر را از جهت مغایرت و یا عدم مغایرت با قانون اساسی برعهده دارد:

۳-۱. اساسنامه‌های مصوب دولت

براساس اصل هشتادوپنجم قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی می‌تواند اجازه تصویب دائمی اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را به دولت واگذار کند. این مصوبات نباید مخالف قوانین و مقررات عمومی کشور باشد و باید به منظور بررسی و اعلام مغایرت و یا عدم مغایرت آنها با قوانین، ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد.

این مورد از مصوبات شامل اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت می‌شود. اساسنامه را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «مقررات یا قراردادی که برای طرز کار یک جمعیت (در حقوق عمومی یا خصوصی) مقرر و معین می‌شود».^۱

۱. محمدجعفر جعفری لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۱، ص ۲۹۶.



۲-۳. تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت و مصوبات کمیسیون‌های متشکل

از چند وزیر

با توجه به اصل هفتادویکم قانون اساسی، صلاحیت مجلس در زمینه وضع قوانین، عام و مطلق است، اما باید توجه داشت که تعیین تمام جزئیات مربوط به اجرای قوانین و تنظیم امور اداری، مجلس را از انجام وظایف مهمتر خود (نظارت) باز می‌دارد و به همین جهت در اغلب قوانین، تنظیم آیین‌نامه اجرایی به قوه مجریه واگذار می‌شود. این نکته نیز قابل توجه است که وضع مقررات در صلاحیت ذاتی قوه مجریه نیست و تفویض تصویب مقررات به قوه مجریه از آثار تفکیک نسبی قوا محسوب می‌شود.^۱

با توجه به اینکه تمامی مصوبات دولتی در حوزه صلاحیت نظارتی رئیس مجلس قرار ندارد باید مصوبات مشمول این نظارت را تبیین کرد. بر همین اساس در ادامه به بررسی اجمالی انواع مصوبات دولتی موضوع صلاحیت نظارتی رئیس مجلس می‌پردازیم.

تصویب‌نامه مشتمل بر تصمیمات و دستوراتی است که هیئت دولت رأساً و یا براساس طرح‌ها و پیشنهادات وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی در مسائل خاص و در امور مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی اتخاذ می‌کند.^۲

صلاحیت قوه مجریه در وضع آیین‌نامه محدود به مواردی نیست که در قوانین مقرر شده است، بلکه اختیارات و تکالیف این قوه در اجرای قوانین و تنظیم سازمان‌ها

۱. منوچهر طباطبائی مؤتمنی، حقوق اداری، چاپ نهم، تهران، سمت، ۱۳۸۳، ص ۲۸۸.

۲. نصرالله صدرالحفاظی، نظارت قضایی بر اعمال دولت در دیوان عدالت اداری، چاپ اول، تهران، شهریار، ۱۳۷۲، ص ۴۲۷.

ایجاب می‌کند که بتواند برای حسن انجام وظایف خود مقرراتی وضع کند.^۱ تأمین اجرای قانون و اداره جامعه خود نیازمند اصولی است که اختیار وضع آنها از امور اداری و در صلاحیت قوه اجرایی است، البته این قوه نمی‌تواند با استفاده از این اختیار نهاد یا سازمان جدیدی ایجاد کند.

برخی از حقوقدانان بر این عقیده‌اند که هیچ تفاوت ماهوی میان قانون و آیین‌نامه وجود ندارد و تنها تفاوت این دو نوع مقرر، مرجع وضع آنهاست. براساس این نظر در مواردی که قانون وجود ندارد دولت می‌تواند به وضع آیین‌نامه و تصویب‌نامه بپردازد. همچنین گفته شده است در رابطه با اموری که حق و تکلیف ایجاد می‌نماید نمی‌توان بدون تصویب مجلس و بدون وجود قانون و با تصویب آیین‌نامه اقدام به وضع قاعده کرد.^۲

آیین‌نامه‌های مستقل که متکی به مقتضیات اداری و اجرایی می‌باشند، تدبیری

۱. ناصر کاتوزیان، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، چاپ چهل و چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴، ص ۱۲۸.

۲. منوچهر طباطبائی مؤتمنی، پیشین، ص ۲۸۷، همچنین رأی شماره هـ/ ۲۰۷/۸۱ - مورخه ۱۳۸۳/۲/۲۸ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری «وضع قاعده آمره متضمن ایجاد یا سلب حق و شرایط اصولی هر مورد اختصاص به مقنن دارد»، رأی شماره هـ/ ۷۷۵/۸۲ - مورخه ۱۳۸۳/۶/۲۵ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری «مفهوم مخالف تبصره ماده (۱۰۹) آیین‌نامه اجرایی قانون خدمت وظیفه عمومی که متضمن وضع قاعده آمره مشعر بر عدم رسیدگی به تقاضای معافیت به واسطه کفالت یا جهات پزشکی در مدت ادامه تحصیل و برخورداری از معافیت تحصیلی می‌باشد خارج از حدود اختیارات قوه مجریه در وضع مقررات دولتی تشخیص داده می‌شود»، رأی شماره هـ/ ۵۳۱/۸۶ مورخ ۱۳۸۸/۵/۲۵ «... بنابراین مفاد بندهای «۲» و «۳» ماده (۳۳) آیین‌نامه اجرایی ماده (۲۱۹) قانون مالیات‌های مستقیم مبنی بر صدور برگ قطعی مالیاتی اصلاحی متضمن افزایش مالیات و اجرای آن بدون اطلاع مؤدی و رسیدگی به اعتراض وی در این باب توسط مراجع ذیصلاح قانونی که از مقوله وضع قاعده آمره در خصوص مورد است، خارج از حدود اختیارات وزارت امور اقتصادی و دارایی در وضع مقررات دولتی تشخیص داده می‌شود».



برای اجرای صحیح امور محسوب می‌شوند. این نوع آیین‌نامه‌ها در راستای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمان‌های اداری تصویب می‌شوند و الزاماً باید مغایر با قانون نباشند و نمی‌توانند دایره شمول قوانین موجود را توسعه داده و یا تضییق نمایند.^۱ لذا در مواردی که دولت بر این اعتقاد باشد که شمول قوانین موجود باید محدود شده یا توسعه یابد، در این رابطه باید الزاماً از طریق ابتکار ارائه لایحه به مجلس استفاده نماید و نمی‌تواند راساً در این رابطه مصوبه‌ای داشته باشد.

برخی از اساتید حقوق معتقدند که مقامات عالی اجرایی از جمله رئیس‌جمهور و رؤسای سازمان‌های عمومی حق وضع آیین‌نامه را دارند.^۲ درحالی که در حقوق عمومی اصل بر عدم صلاحیت است^۳ و مقامات عمومی تنها در رابطه با اموری که صلاحیت آنها به رسمیت شناخته شده است حق مداخله دارند. بر همین اساس و به موجب قانون اساسی تنها مقامات مذکور در اصل یکصدوسی و هشتم قانون اساسی حق وضع آیین‌نامه را دارند و در این رابطه قانونگذار اساسی در مقام بیان بوده و اصل یکصدوسی و هشتم قانون اساسی نیز افاده حصر می‌نماید و مراجع صلاحیتدار جهت تصویب مقررات دولتی محصور در مقامات مذکور در اصل یکصدوسی و هشتم قانون اساسی بوده^۴ و هیچ مرجع

۱. محمد هاشمی، پیشین، صص ۳۱۸ و ۳۱۹.

۲. منوچهر طباطبائی مؤتمنی، پیشین، ص ۲۹۲ و محمد امامی و کورش استوار سنگری، «حقوق اداری»، جلد اول، چاپ دوم، میزان، پاییز ۱۳۸۷، ص ۷۲.

۳. ژاک شوالیه، دولت قانونمند، (مترجم: حمیدرضا ملک‌محمدی)، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۸، ص ۱۹.

۴. نظریه شماره ۱۳۷۸/۲۱/۴۵۱۲ مورخ ۱۳۷۸/۱/۲۵ شورای نگهبان: «راجع تصویب آیین‌نامه به کمیسیون یا کمیسیون‌های مجلس خلاف اصل یکصدوسی و هشتم قانون اساسی است»، نظریه شماره ۱۳۸۲/۳۰/۲۹۷۲ مورخ ۱۳۸۲/۲/۲۲ شورای نگهبان در رابطه با «لایحه وظایف و اختیارات و تغییر نام وزارت پست و تلگراف و تلفن»: «...۲- تصویب آیین‌نامه توسط شورای عالی فناوری اطلاعات موضوع جزء «۴» بند «ه» ماده «۴» مغایر اصل یکصدوسی و هشتم قانون اساسی شناخته شد»، نظریه شماره ۱۳۸۱/۳۰/۲۵۲۴ مورخ ۱۳۸۱/۱۱/۲۹ در رابطه با

دیگری صلاحیت وضع مقررات مذکور در این اصل را ندارد.^۱

همان‌گونه که بیان شد، قانون اساسی و قوانین عادی شأنی بالاتر از مقررات دولتی دارند. بر این اساس، شرط اعتبار مقررات دولتی این است که این مقررات مغایر با قوانین عادی و اساسی نباشد.

با توجه به اصل هفتادویکم قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند. لازم به ذکر است که برخلاف نظر برخی از حقوقدانان^۲ که قائل به این هستند که می‌توان براساس قانون اساسی تعریفی ماهوی از قانون به‌دست داد و بر این اساس معتقدند که مجلس صلاحیت قانونگذاری در برخی از امور را که دارای ویژگی‌های ماهوی قانون نیستند را ندارد، به‌نظر می‌رسد که قانون اساسی تنها معیار شناسایی قانون را معیار شکلی قرار داده است و بر این اساس اگر مجلس شورای اسلامی در امری قانونگذاری نماید،

«طرح تشکیل سازمان نظام روانشناسی و مشاوره جمهوری اسلامی ایران»: «...۵- در بند «۷» ماده (۳) واگذاری تصویب آیین‌نامه به سازمان مغایر اصل یکصدوسی و هشتم قانون اساسی شناخته شد».

۱. البته شورای نگهبان در نظریات مختلف خود و در مقام تفسیر قانون اساسی و یا اظهارنظر در رابطه با مصوبات مجلس برخلاف حصر مورد نظر قانونگذار اساسی، صلاحیت مقررگذاری را علاوه‌بر مقامات مذکور در اصل یکصدوسی و هشتم قانون اساسی برای نهاد شورای نگهبان، رئیس‌جمهور، رئیس قوه قضائیه و رئیس مجلس شورای اسلامی و شوراهایی چون شورای عالی اداری به رسمیت شناخته است که قابل انتقاد است. (نظریه تفسیری شماره: ۱۶/۰۳/۴۳۹۱۲ مورخ ۱۳۸۶/۴/۱۹ در رابطه با مرجع تصویب مقررات ضوابط و مقررات اداری استخدامی، مالی و تشکیلاتی شورای نگهبان، جزء «ن» بند «۳» قانون بودجه سال ۱۳۸۹، ماده (۵۴) قانون جرائم رایانه‌ای، تبصره «۷» قانون نحوه اجرای اصل هشتادوپنجم و یکصدوسی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با مسئولیت‌های رئیس مجلس شورای اسلامی، ماده (۱) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.

۲. غلامحسین الهام، قلمرو صلاحیت قانونگذاری مجلس شورای اسلامی، مطالعه روابط قوه مقننه با قوه مجریه (۴)، مرکز تحقیقات شورای نگهبان، مورخه ۱۳۸۹/۳/۹، صص ۸-۹.



این امر پس از تأیید شورای نگهبان، ارزش و اعتبار قانون را خواهد داشت. با توجه به مطالبی که بیان شد و با توجه به صلاحیت عام قانونگذاری مجلس شورای اسلامی، این مرجع می‌تواند آیین‌نامه، تصویب‌نامه و اساسنامه^۱ وضع کند یا مصوبات دولت در این امور را تغییر دهد و یا اینکه آنها را لغو نماید^۲ البته این تغییر یا لغو مصوبات به صورت تلویحی صورت می‌گیرد نه تصریحی، به این معنا که با تصویب هر قانون در مجلس، تلویحاً مصوبات مغایر دولت با آن لغو می‌شود.

بر این اساس با توجه به اینکه شأن و اعتبار مقررات مصوب قوه مجریه فروتر از قوانین مصوب مجلس است مجلس می‌تواند با تصویب قانون، مقررات مصوب قوه مجریه را لغو کرده و یا آنها را اصلاح نماید.

۴. محدوده نظارت رئیس مجلس شورای اسلامی

اصل یکصدوسی و هشتم قانون اساسی مقرر می‌دارد که مصوبات قوه مجریه نباید مغایر با متن و روح قوانین باشد. براساس این اصل مرجع تشخیص مغایرت مصوبات دولتی با قوانین، رئیس مجلس شورای اسلامی است. با توجه به اینکه دولت در راستای انجام وظایف خود اقدامات گوناگونی انجام می‌دهد که تمام این اعمال مشمول نظارت رئیس مجلس شورای اسلامی نمی‌شود بلکه صلاحیت رئیس مجلس براساس اصول هشتادوپنجم و یکصدوسی و هشتم صرفاً شامل برخی از مصوبات دولت می‌گردد، در این رابطه چند موضوع قابل بحث است که در ادامه به بررسی آنها می‌پردازیم:

۱. البته وضع اساسنامه اصولاً از اختیارات مجلس است که در صورت صلاحدید به دولت تفویض می‌نماید.

۲. عبدالحمید ابوالحمد، پیشین، ص ۲۳.

۱. نظارت رئیس مجلس شورای اسلامی شامل کدام نوع از مصوبات دولتی می‌گردد؟

در پاسخ به این سؤال باید متن اصول هشتادوپنجم و یکصدوسی و هشتم قانون اساسی مورد توجه قرار گیرد. براساس اصل هشتادوپنجم قانون اساسی، مجلس می‌تواند تصویب دائمی اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را به دولت بدهد. براساس ذیل این اصل، مرجع تشخیص عدم مغایرت مصوبات دولت با قوانین، رئیس مجلس شورای اسلامی است. با توجه به مطالب بیان شده یکی از موضوعات داخل در صلاحیت رئیس مجلس، نظارت بر اساسنامه‌های مصوب دولت است.

به موجب اصل یکصدوسی و هشتم قانون اساسی، وزیر یا هیئت وزیران حق وضع آیین‌نامه اجرایی را دارند، همچنین براساس این اصل، هیئت وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمان‌های اداری به وضع تصویب‌نامه و آیین‌نامه بپردازد و می‌تواند تصویب برخی از امور مربوط به وظایف خود را به کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر واگذار کند. براساس قسمت دیگری از این اصل، هریک از وزیران نیز در حدود وظایف خویش و مصوبات هیئت وزیران، حق وضع آیین‌نامه و صدور بخشنامه را دارد. براساس ذیل اصل یکصدوسی و هشتم از میان مقررات فوق، نظارت رئیس مجلس شورای اسلامی صرفاً شامل تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های هیئت وزیران و مصوبات کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر می‌شود و رئیس مجلس صلاحیتی در رابطه با نظارت بر آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های وزرا را ندارد.

لازم به ذکر است که این صلاحیت مختص نظارت بر مقررات مصوب هیئت



وزیران است و شامل تصمیمات اجرایی نمی‌شود.^۱ ممکن است این سؤال مطرح شود که آیا صلاحیت رئیس مجلس شورای اسلامی شامل تصمیمات نمایندگان ویژه موضوع اصل یکصد و بیست و هفتم قانون اساسی نیز می‌شود؟

در پاسخ به این سؤال باید دو موضوع را مورد توجه قرار داد: یک اینکه به موجب اصل یکصد و بیست و هفتم قانون اساسی تعیین نمایندگان ویژه نیازمند مصوبه هیئت وزیران است که این مصوبه تحت شمول نظارت رئیس مجلس قرار می‌گیرد.^۲

۱. نظریه تفسیری شماره: ۷۹/۲۱/۷۳۷ مورخ ۱۳۷۹/۵/۳۰، موضوع در جلسه مورخ ۲۴ مردادماه ۱۳۷۹ شورای نگهبان مطرح شد، نظر به اینکه اصول هشتاد و پنجم و یکصد و سی و هشتم مراجع وضع تصویب‌نامه و آیین‌نامه و اساسنامه را تعیین کرده است و این امور غیر از تصمیم است و نظر به اینکه اصل یکصد و بیست و هفتم قانون اساسی صراحتاً به تصمیمات رئیس‌جمهور و هیئت وزیران اشاره کرده است نظر تفسیری شورا به شرح ذیل اعلام می‌گردد:

«محدوده اصل یکصد و بیست و هفتم شامل تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌ها و اساسنامه‌ها نمی‌شود و منحصرأً شامل تصمیمات خواهد بود».

۲. شماره ۱۳۸۱/۳۰/۲۱۲۴ - ۱۳۸۱/۱۰/۲

رئیس محترم مجلس شورای اسلامی

عطف به نامه شماره ۴۲۷۱ ه/ب مورخ ۱۳۸۱/۸/۴

با توجه به نظر تفسیری شماره ۷۹/۲۱/۷۳۷ مورخ ۱۳۷۹/۵/۳۰ و اظهار نظر شماره ۱۳۷۸/۲۱/۶۱۸۶ مورخ ۱۳۷۸/۱۱/۲۰:

تبصره الحاقی ماده (۲۹) آیین‌نامه داخلی هیئت دولت در جلسه شورای نگهبان مطرح شد که نظر شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

«اصل یکصد و بیست و هفتم مربوط امور اجرایی است و شامل تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌ها و اساسنامه‌ها نمی‌شود و منحصرأً شامل تصمیمات خواهد بود. بنابراین تبصره الحاقی ماده (۲۹) که مقرر نموده است تفویض اختیار دولت، موضوع اصل یکصد و بیست و هفتم قانون اساسی به نماینده یا نمایندگان ویژه رئیس‌جمهور محدود به اجرایی است، وافی به مقصود است لکن تصویب‌نامه هیئت وزیران که طی آن نماینده یا نمایندگان با اختیارات مشخص تعیین می‌نماید از مصادیق تصویب‌نامه ذیل اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی می‌باشد و لازم است این تصویب‌نامه‌ها ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد تا در صورتی که آنها را برخلاف قوانین بداند با ذکر دلیل برای تجدیدنظر به هیئت وزیران بفرستد».

دبیر شورای نگهبان - احمد جنتی

موضوع دومی که باید مورد توجه قرار گیرد این است که با توجه به اینکه اختیارات نمایندگان ویژه موضوع این اصل مربوط به امور صرفاً اجرایی است، تصمیمات اتخاذ شده توسط نمایندگان ویژه در محدوده صلاحیت نظارتی رئیس مجلس قرار نمی‌گیرد.^۱ البته ممکن است که نمایندگان ویژه از حدود صلاحیت خود تجاوز کرده و اقدام به مقرراتگذاری نمایند که رسیدگی به این‌گونه تصمیمات در حوزه صلاحیت رئیس مجلس شورای اسلامی نبوده و در صلاحیت دیوان عدالت اداری قرار دارد.

در رابطه با موضوع شمول و یا عدم شمول صلاحیت رئیس مجلس بر مصوبات نمایندگان ویژه موضوع اصل یکصد و بیست و هفتم قانون اساسی این نکته را باید مورد توجه قرار داد که اگر نمایندگان ویژه موضوع اصل یکصد و بیست و هفتم قانون اساسی تعدادی از وزرا باشند، رئیس مجلس صلاحیت بررسی موضوع را دارد و می‌تواند تصمیمات متخذه توسط آنها را مشمول قسمت اخیر اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی تشخیص داده و نظر خود را نسبت به آن اعلام نماید.

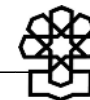
۲. مرجع تشخیص مقررات دولتی موضوع اصل یکصد و سی و هشتم قانون

اساسی از تصمیمات صرفاً اجرایی کیست؟

در این رابطه باید توجه داشت که در رابطه با ماهیت اجرایی برخی از امور مثل

عزل و نصب مقامات اداری و اجرایی اختلافی وجود ندارد و در رابطه با اجرایی بودن

۱. نظریه شماره ۱۳۷۸/۲۱/۶۱۸۶ مورخ ۱۳۷۸/۱۱/۲۰ شورای نگهبان در رابطه با الزام به ارسال تصمیمات نمایندگان ویژه موضوع اصل یکصد و بیست و هفتم قانون اساسی برای رئیس مجلس شورای اسلامی موضوع تبصره «۳» الحاقی به قانون اجرای اصول هشتاد و پنجم و یکصد و سی و هشتم قانون اساسی: در تبصره «۳» با استحضار اینکه اصل یکصد و بیست و هفتم قانون اساسی مربوط به امور اجرایی است الزام به ارسال تصمیمات مذکور در اصل یکصد و بیست و هفتم قانون اساسی به رئیس مجلس خلاف قانون اساسی شناخته شد.



آنها اتفاق نظر وجود دارد. اختلاف هنگامی بروز می‌یابد که دولت تحت عنوان تصمیمات اجرایی اقدام به مقرراتگذاری می‌نماید که به نظر رئیس مجلس شورای اسلامی مشمول اصل یکصدوسی و هشتم قانون اساسی بوده و باید در مورد مغایرت و عدم مغایرت آن با قوانین اظهار نظر شود.^۱ با توجه به اینکه موضوع نظارت رئیس مجلس مقررات مصوب هیئت وزیران است، نمی‌توان مرجع تشخیص موضوع نظارت را دولت قرار داد و به دولت اختیار داد که با توجه به برداشت خود هر آنچه را که مشمول اصل یکصدوسی و هشتم قانون اساسی نمی‌داند برای رئیس مجلس ارسال

۱. در این رابطه در دوره‌های مختلف بین دولت و رئیس مجلس شورای اسلامی اختلاف به وجود می‌آمد که در همین رابطه در تاریخ ۱۳۸۵/۹/۲۲، توسط رئیس مجلس شورای اسلامی از شورای نگهبان استفساری صورت گرفت که به شرح زیر است:

حضرت آیت‌الله جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

نظر به اینکه بعضاً هیئت وزیران تحت عناوینی نظیر «موافقت نمود»، «مقرر نمود» و... تصمیماتی اتخاذ می‌کند و این‌گونه تصمیمات به اعتبار آنکه فاقد عنوان تصویبنامه است مشمول قسمت اخیر اصل یکصدوسی و هشتم قانون اساسی تلقی نشده و در نتیجه از ارسال آن برای بررسی و اعلام نظر رئیس مجلس شورای اسلامی خودداری می‌شود، خواهشمند است نظر تفسیری آن شورای محترم را به سؤالات زیر اعلام نمایید:

۱. آیا اتخاذ عناوینی غیر از عنوان تصویبنامه برای تصمیمات هیئت وزیران، رافع تکلیف قانونی مذکور در قسمت اخیر اصل یکصدوسی و هشتم قانون اساسی برای هیئت وزیران و نیز رافع مسئولیت قانونی رئیس مجلس شورای اسلامی می‌باشد یا نه؟

۲. در صورت مرتفع نبودن تکلیف و مسئولیت فوق، آیا عطف به ماسبق نیز می‌شود یا خیر؟

به پیوست نمونه‌هایی از تصمیمات فوق‌الذکر ارسال می‌شود. دوام توفیقات اعضای محترم شورای نگهبان را از خداوند متعال خواستارم.

- نامه شماره ۱۳۸۶/۳۰/۲۰۹۷۶ مورخ ۱۳۸۶/۱/۳۰ شورای نگهبان خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی «نامه شماره ۱۴۶۶۴۵/۱۰/۱۴ مورخ ۱۳۸۶/۹/۲۲؛ مبنی بر تقاضای اظهار نظر تفسیری درباره «قسمت اخیر اصل یکصدوسی و هشتم قانون اساسی» در جلسه مورخ ۱۳۸۶/۱/۲۹ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و شورای نگهبان به نظر تفسیری نرسید».

نکند، بلکه این رئیس مجلس شورای اسلامی است که با توجه به ماهیت مصوبات دولت می‌تواند در رابطه با شمول و یا عدم شمول نظارت خود بر آنها و در نتیجه صلاحیت و عدم صلاحیت خود اظهار نظر نماید.^۱ دو اصل هشتادوپنجم و یکصدوسی و هشتم قانون اساسی به این منظور تصویب شده‌اند که هیچ‌یک از مقررات دولتی (موضوع اصول فوق) مغایر با قوانین نباشد، اگر مرجع تشخیص مصوبات دولت موضوع این اصول از تصمیمات اجرایی، خود دولت باشد، در حقیقت این دو اصل اعتبار خود را از دست می‌دهند.

اگرچه دولت مکلف است که تمامی مصوبات خود را دارای هر نامی که باشند (اعم از آیین‌نامه، تصویبنامه، موافقتنامه، تصمیمنامه و اسامی از این قبیل) برای رئیس مجلس ارسال نماید و عدم ارسال مصوبات برای رئیس مجلس، تخلف از وظیفه مقرر در قانون اساسی محسوب می‌شود، این امر موجب سلب مسئولیت رئیس مجلس شورای اسلامی نبوده و وی مکلف به بررسی مصوبات دولت و اظهار نظر در رابطه با مغایرت و یا عدم مغایرت آنها با قوانین است، البته برخی بر این عقیده‌اند که ارسال نشدن مصوبات مزبور برای ریاست مجلس شورای اسلامی موجب بی‌اعتباری

۱. تبصره «۸» ماده واحده قانون نحوه اجرای اصول هشتادوپنجم و یکصدوسی و هشتم قانون اساسی در رابطه با مسئولیت‌های رئیس مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۸ (الحاقی ۱۳۸۸/۱/۳۰) در مواردی که رئیس مجلس شورای اسلامی مصوبات، آیین‌نامه‌ها و تصویبنامه‌های مقامات مذکور در اصول هشتادوپنجم و یکصدوسی و هشتم قانون اساسی را مغایر با متن و روح قوانین تشخیص دهد نظر وی برای دولت معتبر و لازم‌الاتباع است و دیوان عدالت اداری نسبت به این‌گونه موارد صلاحیت رسیدگی ندارد. تطابق تصمیمات مقامات مذکور با موارد ذکر شده با رئیس مجلس شورای اسلامی می‌باشد. این قانون از تاریخ تصویب لازم‌الاجراست و شامل موارد قبلی که نظر ریاست مجلس رعایت نگردیده نیز می‌شود. همچنین کلیه قوانین مغایر از جمله قانون استفساریه ماده (۲۵) قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۰/۱۲/۱۴ نسخ می‌شود.



مصوبات مزبور خواهد شد.^۱ دولت مکلف است که تمامی مصوبات خود را دارای هر نامی که باشد (اعم از آیین‌نامه، تصویب‌نامه، موافقت‌نامه، تصمیم‌نامه و اسامی از این قبیل) برای رئیس مجلس ارسال کند. عدم ارسال مصوبات برای رئیس مجلس (به هر شکلی که صورت گیرد اعم از تغییر عنوان)، تخلف دولت از وظیفه مقرر در قانون اساسی محسوب می‌شود. تخلف دولت از انجام وظیفه فوق موجب سلب مسئولیت رئیس مجلس شورای اسلامی نبوده در نظارت بر مصوبات دولت نخواهد شده و وی مکلف به بررسی مصوبات دولت تحت هر عنوانی که باشد و اظهارنظر در رابطه با مغایرت و یا عدم مغایرت آنها با قوانین است. البته برخی بر این عقیده‌اند که ارسال نشدن مصوبات مزبور برای ریاست مجلس شورای اسلامی موجب بی‌اعتباری مصوبات مزبور خواهد شد^۲ که این نظر مغایر با نص و ظاهر اصول هشتادوپنجم و یکصدوسی‌و‌هشتم قانون اساسی مبنی بر اعتبار چنین مصوباتی است. البته این مورد و در نظر گرفتن ضمانت اجرا برای عدم ارسال مصوبات دولت برای رئیس مجلس شورای اسلامی می‌تواند در اصلاح قانون اساسی مورد توجه قرار گیرد.

۳. چه نسبتی میان صلاحیت رئیس مجلس شورای اسلامی و صلاحیت دیوان عدالت اداری در نظارت بر مصوبات دولت وجود دارد؟

دیوان عدالت اداری و رئیس مجلس شورای اسلامی دو مرجع هم‌عرض صالح جهت نظارت بر مصوبات دولتی هستند. براساس اصول هشتادوپنجم و یکصدوسی‌و‌هشتم قانون اساسی مصوبات دولتی موضوع این اصول ضمن ابلاغ برای اجرا برای رئیس

۱. منوچهر طباطبائی مؤتمنی، پیشین، ص ۲۹۶.

۲. همان.

مجلس ارسال می‌گردد تا در صورتی که آنها را مغایر قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدیدنظر برای هیئت وزیران بفرستد. درحالی که دیوان عدالت اداری مرجعی قضایی بوده و مصوبات دولت برای اظهارنظر برای دیوان ارسال نمی‌شود و تنها در صورتی که شکایتی از یک مصوبه اعلام گردد، این نهاد به موضوع رسیدگی کرده و مصوبه را در صورتی که مغایر با قوانین تشخیص دهد ابطال می‌کند.

صلاحیت رئیس مجلس شورای اسلامی نسبت به صلاحیت دیوان عدالت اداری محدود است. رئیس مجلس شورای اسلامی صرفاً صلاحیت نظارت بر اساسنامه‌های مصوب دولت، آیین‌نامه‌ها و تصویب‌نامه‌های هیئت وزیران و کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر را برعهده دارد درحالی که دیوان عدالت اداری صلاحیت رسیدگی به شکایات علیه تمام تصمیمات و مقررات دولتی را دارد. همچنین دیوان صلاحیت رسیدگی به مصوبات دولتی از جهت مغایرت آنها با شرع را داراست که رئیس مجلس فاقد چنین صلاحیتی است.

براساس اصول یکصدوهفتادم و یکصدوهفتادوسوم قانون اساسی دیوان عدالت اداری صلاحیت ابطال تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه باشد را داراست همچنین این دیوان مرجع رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدهای دولتی و احقاق حقوق آنها بوده و صلاحیت رسیدگی به قانونی بودن تصمیمات صرفاً اجرایی را نیز برعهده دارد.

در رابطه با نسبت میان صلاحیت این دو مرجع باید توجه کرد که وظیفه این دو مرجع، تشخیص مغایرت مصوبات دولتی با قانون است. نتیجه اینکه اگر رئیس مجلس



مصوبه‌ای را مغایر قانون اعلام کند مصوبه فاقد اعتبار می‌شود و دیگر موضوعی نیست که دیوان عدالت اداری صلاحیت رسیدگی به آن را داشته باشد و همچنین بالعکس، اگر دیوان عدالت مصوبه‌ای را ابطال نماید موضوعی برای اظهارنظر رئیس مجلس باقی نمی‌ماند.^۱

هر دو مرجع فوق از جهت سلبی به مصوبات دولتی رسیدگی می‌کنند یعنی هر دو اعلام می‌کنند که این مصوبه باطل یا مغایر قانون است. پس از اعلام نظر رئیس مجلس در رابطه با مصوبه در صورتی که دولت از نظر رئیس مجلس تبعیت نکند مصوبه فاقد اعتبار می‌شود و در صورتی که دیوان رأی به ابطال مصوبه دولت دهد، مصوبه باطل شده و فاقد اعتبار می‌شود.

۴. رئیس مجلس شورای اسلامی صرفاً صلاحیت نظارت بر عدم مغایرت

۱. البته مجلس شورای اسلامی در این رابطه طی دو مرحله اقدام به قانونگذاری نمود که به نظر می‌رسد فاقد مبنای حقوقی بوده است:

۱. قانون استفساریه ماده (۲۵) قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۰/۱۲/۲۸

موضوع استفسار:

ماده واحده - آیا وظایفی که بنا به ذیل اصل یکصد و هفتاد و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، توسط مجلس شورای اسلامی برای دیوان عدالت اداری جهت رسیدگی به آیین‌نامه‌ها و مصوبات تعیین شده است، ناظر به اختیار دیوان در اظهارنظر نسبت به مصوبات و آیین‌نامه‌های هیئت وزیران نیز می‌باشد و در این صورت هیئت دولت در صورت تعارض نظر دیوان با نظر مرجع مذکور در اصول هشتاد و پنجم و یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران موظف به انجام کدام یک از این نظرات است؟
نظر مجلس:

در صورت تعارض نظر دیوان عدالت اداری و ریاست مجلس شورای اسلامی (موضوع اختیارات ذیل اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)، نظر دیوان عدالت اداری لازم‌الاجراست.

۲. قانون الحاق یک تبصره به قانون نحوه اجرای اصول هشتاد و پنجم و یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با مسئولیت‌های رئیس مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۸ و اصلاحات بعدی آن - مصوب ۱۳۸۸/۱/۳۰ (متن این قانون در پاورقی چند صفحه قبل ذکر شد).

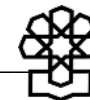
مصوبات قوه مجریه با قوانین عادی را دارد یا می‌تواند در رابطه با مغایرت مصوبات دولتی با قانون اساسی نیز نظارت نماید؟

با توجه به شأن و جایگاه رئیس مجلس شورای اسلامی نمی‌توان برای وی صلاحیت اظهارنظر در رابطه با مغایرت و عدم مغایرت مصوبات دولت با قانون اساسی را به رسمیت شناخت^۱ هرچند که با توجه به تکلیف دولت به عدم وضع مقررات مغایر با متن و روح قوانین عادی به طریق اولی دولت مکلف است مصوبات مغایر با قانون اساسی را تصویب ننماید و در صورت وقوع این امر به نظر می‌رسد دیوان عدالت اداری صلاحیت ابطال این‌گونه مصوبات را داراست.

دولت مکلف است که اقدام به وضع مقررات دولتی مغایر با روح قوانین نکند و در صورتی که مقررات مصوب، مغایر با روح قوانین باشند، قابل ابطال در دیوان عدالت اداری بوده و رئیس مجلس شورای اسلامی نیز می‌تواند مصوبات دولتی مغایر با روح و متن قوانین را برای اصلاح به دولت اعلام نماید که دولت مکلف به تبعیت از نظر رئیس مجلس است.

اخیراً نظریات رئیس مجلس که در راستای اعمال نظارت موضوع اصول هشتاد و پنجم و یکصد و سی و هشتم قانون اساسی اعلام می‌شود در روزنامه رسمی درج شده و به اطلاع عموم می‌رسد که با توجه به اینکه مصوبات دولت در حقوق و

۱. نظریه تفسیری شماره ۲۱۰۱ مورخ ۱۳۷۱/۶/۱۵ کلمه «قوانین» مذکور در ذیل اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی شامل قانون اساسی نمی‌شود.



تکالیف شهروندان مؤثر هستند،^۱ انتشار این نظریات که متضمن عدم اعتبار مصوباتی است که تأثیرات مذکور را ایجاد کرده‌اند گامی در جهت احیای حقوق عامه می‌باشد.^۲

۵. ضمانت اجرای نظارت رئیس مجلس

در اصل یکصد و بیست و ششم قانون اساسی پیش از بازنگری که وظیفه نظارت بر مصوبات دولت برعهده رئیس‌جمهور نهاده شده بود، مصوبات دولت پیش از اعلام نظر رئیس‌جمهور فاقد اعتبار بود.^۳ اگرچه در بازنگری سال ۱۳۶۸ با هدف تقویت

۱. ماده (۱۱) قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۷/۱۱/۶ مجلس شورای اسلامی: مصوبه و تصمیمی که موجد حق یا تکلیف عمومی است قابل طبقه‌بندی به‌عنوان اسرار دولتی نمی‌باشد و انتشار آنها الزامی خواهد بود.

تبصره ماده (۳۰) آیین‌نامه داخلی هیئت دولت مصوب ۱۳۶۸/۹/۸: مصوباتی که علاوه بر دستگاه‌هایی اجرایی و کارکنان آن برای سایر مردم حق و تکلیف ایجاد می‌نمایند، ۱۵ روز پس از انتشار در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران لازم‌الاجراست، مگر آنکه در خود مصوبه زمان یا کیفیت خاصی برای اجرای آن پیش‌بینی شده باشد.

۲. نصرالله صدرالحفاظی، پیشین، ص ۴۲۸.

۳. مجموعه نظریات شورای نگهبان، پیشین، ص ۱۴۲.

شورای محترم نگهبان

با توجه به اصل یکصد و بیست و ششم قانون اساسی، خواهشمند است تفسیراً نظر خود را در مورد این سؤالات اعلام فرمایید:

۱. تشخیص خلاف قانون بودن تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌ها با کیست؟
۲. در صورت اختلاف نظر میان رئیس‌جمهور و هیئت دولت، آیا نظر رئیس‌جمهور متعین است؟ یا مرجع نهایی دیگری وجود دارد؟

سیدعلی خامنه‌ای - رئیس‌جمهور

نظریه تفسیری شماره: ۱۹۴۷ مورخ ۱۳۶۳/۷/۲۵

حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خامنه‌ای

نظارت بر مصوبات دولت و اینکه بین مقام ناظر و مقام موضوع نظارت تمایز وجود داشته باشد. مقرر شد مصوبات دولت برای تضمین عدم مغایرت با قوانین، ضمن ابلاغ برای اجرا نزد رئیس مجلس شورای اسلامی ارسال گردد^۱ ولی ماهیت عمل فوق تغییری نداشته است. لذا با توجه به اینکه اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی، رئیس مجلس شورای اسلامی را مرجع نظارت بر مصوبات قوه مجریه قرار داده است و با توجه به سیاق اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی (که مشابه اصل یکصد و بیست و ششم قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ است) و مشروح مذاکرات مجلس

ریاست محترم جمهوری اسلامی

عطف به نامه شماره ۱/۴۸۴۸ مورخ ۱۳۶۳/۷/۲:

در ارتباط با اصل یکصد و بیست و ششم قانون اساسی نظر شورای نگهبان به شرح زیر اعلام می‌شود: «در اینکه تشخیص مغایرت تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌ها با رئیس‌جمهور است اصل یکصد و بیست و ششم به وضوح دلالت دارد و محتاج به تفسیر نیست و در موارد اختلاف بین رئیس‌جمهور و هیئت وزیران نظر شورا بر این است که بدون رعایت نظر رئیس‌جمهور تصویب‌نامه و آیین‌نامه قابل اجرا نمی‌باشد.

تذکراً در صورتی که اختلاف مربوط به اختلاف استنباط از قانون اساسی با قانون عادی باشد چنانچه شورای نگهبان طبق اصل نود و هشتم قانون اساسی یا مجلس شورای اسلامی طبق اصل هفتاد و سوم قانون را تفسیر نمود، تفسیر قانون مستند خواهد بود».

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

نظریه شماره ۲۳۶۰ مورخ ۱۳۶۳/۱۰/۵

«... مستفاد از اصل یکصد و بیست و ششم قانون اساسی این است که قبل از اعلام نظر رئیس‌جمهور مصوبه رسمیت اجرایی ندارد».

(مجموعه نظریات شورای نگهبان، پیشین، ص ۱۴۷).

۱. صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پیشین، صص ۹۹۴-۹۹۷.



بررسی نهایی قانون اساسی^۱ و شورای بازنگری قانون اساسی^۲، با اعلام نظر رئیس مجلس شورای اسلامی در رابطه با مغایرت مصوبات دولتی با قانون، دولت مکلف به تبعیت از نظر رئیس مجلس می‌باشد و در صورت اصرار دولت بر مصوبه خود، مصوبه مذکور به دلیل مغایرت با قانون بی‌اعتبار می‌شود.^۳

نتیجه‌گیری

براساس اصل سلسله‌مراتب هنجارها قواعد مادون به هیچ‌وجه نباید مغایرتی با قواعد مافوق داشته باشند. در نظام جمهوری اسلامی ایران با پذیرش اصل فوق، موازین شرع در رأس سلسله‌مراتب هنجارها قرار گرفته است. پس از موازین شرعی، قانون اساسی در جایگاه دوم قرار دارد و پس از قانون اساسی قوانین عادی و سپس مقررات دولتی در مراتب بعدی از این سلسله‌مراتب قرار دارند. برای تضمین رعایت اصل سلسله‌مراتب فوق مراجع مختلفی در نظر گرفته می‌شود. در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران دو مرجع برای نظارت بر عدم مغایرت مقررات دولتی با قوانین در نظر گرفته شده است که عبارتند از دیوان عدالت اداری و رئیس مجلس شورای اسلامی. صلاحیت نظارتی رئیس

۱. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پیشین، صص ۱۲۷۷-۱۲۷۲.

۲. صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پیشین، صص ۹۹۰-۱۰۱۳.

۳. تبصره «۴» ماده واحده قانون نحوه اجرای اصول هشتادوپنجم و یکصدوسی‌وهشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با مسئولیت‌های رئیس مجلس شورای اسلامی (الحاقی ۱۳۷۸/۱۲/۸) - چنانچه تمام یا قسمتی از مصوبه مورد ایراد رئیس مجلس شورای اسلامی قرار گیرد و پس از اعلام ایراد به هیئت وزیران، ظرف مدت مقرر در قانون، نسبت به اصلاح یا لغو آن اقدام نشود پس از پایان مدت مذکور حسب مورد تمام یا قسمتی از مصوبه مورد ایراد، ملغی‌الاثر خواهد بود.

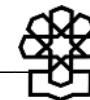
مجلس موضوع اصول هشتادوپنجم و یکصدوسی‌وهشتم قانون اساسی شامل نظارت بر اساسنامه‌ها، تصویب‌نامه‌ها، آیین‌نامه‌های هیئت وزیران و مصوبات کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر می‌شود. مرجع تشخیص اینکه آیا مصداقی از اعمال دولت مشمول نظارت رئیس مجلس می‌شود یا اینکه تصمیم اجرایی صرف بوده و در صلاحیت رئیس مجلس نیست، رئیس مجلس می‌باشد. نظر رئیس مجلس در این رابطه نهایی بوده و دولت ملزم به تبعیت از این نظر می‌باشد.

نظارت دیوان عدالت اداری و رئیس مجلس شورای اسلامی در عرض هم بوده و هریک از این مراجع حق ابطال و یا اعلام مغایرت مصوبات دولت با قانون و در نتیجه بی‌اعتباری مصوبات دولت را دارند.

منابع و مآخذ

الف) کتب

۱. اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۹.
۲. اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴.
۳. امامی، محمد و کورش استوارسنگری. حقوق اداری، جلد اول، چاپ دوم، میزان، پاییز ۱۳۸۷.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. مبسوط در ترمینولوژی حقوق، چاپ اول، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۱.



۵. سنجابی، کریم. حقوق اداری، جلد اول، چاپ سوم، بی‌نا، بی‌تا.
۶. صدرالحفاظی، نصرالله. نظارت قضایی بر اعمال دولت در دیوان عدالت اداری، چاپ اول، شهریار، ۱۳۷۲.
۷. طباطبائی مؤتمنی، منوچهر. حقوق اداری تطبیقی، حاکمیت قانون و دادرسی اداری تطبیقی در چند کشور بزرگ، چاپ اول، تهران، سمت، ۱۳۸۵.
۸. طباطبائی مؤتمنی، منوچهر. حقوق اداری، چاپ نهم، تهران، سمت، ۱۳۸۳.
۹. قاضی شریعت‌پناهی، ابوالفضل. حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، چاپ نهم (چاپ اول میزان)، ۱۳۸۳.
۱۰. کاتوزیان، ناصر. مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، چاپ چهل و چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴.
۱۱. مجموعه نظریات شورای نگهبان (تفسیری و مشورتی درخصوص اصول قانون اساسی)، مرکز تحقیقات شورای نگهبان، تهران، دادگستر، ۱۳۸۱.
۱۲. هاشمی، محمد. حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، حاکمیت و نهادهای سیاسی، چاپ نهم، میزان، ۱۳۸۳.

ب) مقالات

۱. ابوالحمد، عبدالحمید. مسئله سلسله‌مراتب قوانین در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، ش ۲۲، تیرماه ۱۳۶۰.
۲. زارعی، محمدحسین. تحلیلی از پیوند حقوق اداری و مدیریت دولتی بر پایه حاکمیت قانون، مجله مدیریت دولتی، ش ۳۸، ۱۳۷۶.

ج) پایگاه‌های اطلاع‌رسانی

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی معاونت حقوقی و امور مجلس به آدرس:
<http://hvm.ir/>
۲. پایگاه اطلاع‌رسانی حافظه قوانین، پایگاه اطلاعات قوانین و مقررات به آدرس:
<http://tarh.majlis.ir/>
۳. پایگاه اطلاع‌رسانی روزنامه رسمی به آدرس:
www.rooznamehrasmi.ir



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۱۱۰۲۹

عنوان گزارش: نگاهی به ابعاد حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران ۶. پیرامون نظارت در قلمرو حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، اول: «بررسی و تحلیل نظارت رئیس مجلس شورای اسلامی بر مصوبات دولتی» (موضوع اصول هشتاد و پنجم و یکصد و سی و هشتم قانون اساسی)

نام دفتر: مطالعات حقوقی (گروه حقوق عمومی)

تهیه و تدوین: ابوالفضل درویشوند

مدیر مطالعه: حجت‌الاسلام والمسلمین جلیل محبی

ناظران علمی: محمدبهادری جهرمی، سیدمحمدهادی راجی

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. سلسله‌مراتب قوانین

۲. مقررات دولتی

۳. قوانین

۴. نظارت

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۶/۲۶